

## شرح قانون مدنی ایران

میکنند ولی چون موجب هرج و مرج عمومی و مخل نظام نبود هیئت مقننه حکم مزبور را سرایت بمقابل خود داد بلکه اگر در معاملات خیاری خریدار مستحق عین ملک میگردید ضرر آن آبیشتر بود چه بسا اشخاص سرمایه دار املاک مردم را از همین طریق تصاحب میکردند .

علی هذا اینکه آقای دکتر شایگان و بعضی دیگر بتفصیل برخی از علمای حقوق فدرنک حقوق را دو قسم کرده :

حقوق ثابتة .

حقوق محتمله و قانون را نسبت بحقوق محتمله مؤثر دانسته و نسبت بحقوق ثابتة تأثیر نداده خالی از منطوق و دلیل است زیرا تأثیر قانون در حقوق محتمله بمعنی تبدیل انتظارات مردم بیأس غیر معقول است چه حقوق بمعنی ارتباطی است که فیما بین محق و طرف حق پیدا میشود و در مسئله ارث چنانکه مثال زده اند مادامی که مورث در حیات است ارتباطی فیما بین وارث و مال مورث ایجاد نشده تا قانون جدید آنرا لغو کند و ارتباط مذکور بعد از فوت مورث پیدا میشود علاوه براین تأثیر قانون در امر معدومی که هنوز بوجود نیامده غیر معقول است و اطلاق حقوق بر انتظارات جامعه خروج از اصطلاح است و عدم تأثیر قانون بطور کلی در مقابل خود نسبت بحقوق ثابتة وقتی مسلم است که مخل نظم عمومی و موجب هرج و مرج گردد و گرنه تأثیر آن در حقوق ثابتة از طرف قانونگذار در جاهایی که اشکال مزبور روی ندهد مانعی نخواهد داشت . این نظر در صورتی است که در خود قانون بتأثیر وی در مقابل آن تصریح شده باشد و گرنه قانون در مقابل خود مؤثر نخواهد بود و محاکم نیز در اجرای قانون نمیتوانند آنرا در مقابل خود تأثیر دهند .

سبب هرج و مرج و عسر و حرج و تضییع حقوق مردم میگردد ولی شقی دوم اینطور نیست زیرا احکام به نجات آب قلیل بملاقات نجات با عدم نجات آن بملاقات مستلزم دوام و استمرار نیست بقراین اگر مجتهد یا مقلد وی بموجب فتوای اول آب قلیل را بملاقات نجات نجس نمیدانسته و بعد در نتیجه تغییر فتوی معتقد بنجات آن گردیده است کلیه ظروف و چیزهایی را که با آب قلیل متنجس ملاقات کرده تطهیر خواهد کرد حاصل اینکه فتوی اگر راجع باموری باشد ( عقود و ایقاعات و مواریث ) که موجب استمرار و دوام است تجدید رأی سبب نقض آن نمی گردد و فتوی جدید در مورد فتوای اول تأثیر ندارد با اصطلاح امروزها عطف بمسابق نمیشود و اگر راجع باموری است که موجب دوام و استمرار نیست تجدید رأی آنرا نقض خواهد نمود با عطف بمسابق خواهد گردید .

از بیان فوق سه نتیجه گرفتیم .

- ۱ - عدم جواز نقض حکم بحکم .
  - ۲ - جواز نقض فتوی بحکم .
  - ۳ - عدم جواز نقض فتوی بفتوی در اموری که مستلزم دوام و استمرار است و جواز نقض آن در اموری که ادله آن حاکی از دوام نیست .
- بعد از اینکه این مطلب روشن گردید می گوئیم تأثیر قانون در مقابل مادامیکه موجب هرج و مرج و عسر و حرج نگردد و مخل بنظام عمومی نشود مانعی نخواهد داشت ولی اگر موجب تضییع حقوق عامه و باعث اختلال نظم عمومی گردد جائز نخواهد بود از این جهت است که هیئت مقننه ایران بموجب ماده ۳۳ و ۳۴ قانون ثبت حق عینی را در کلیه معاملات خیاری مرتفع کرده و خریدار میتواند وجهی را که داده است دریافت دارد و با اینکه این قانون بحقوق ثابتة مردمی که مشمول ماده فوق هستند لطمه وارد

حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود .

ماده ۸ - اموال غیر منقوله که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهد تملک کرده یا میکنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود .

### مبنای حقوقی

قانونگذاران دنیا دو فرقه اند :

روحانی . سیاسی .

مقنن روحانی منطقه حکومت قانون را افراد بشر

قرار میدهد وی قانون را مال بشر میدانند نظری بنژاد و مسکن ندارد آسیا و اروپا را نمی شناسد عرب و عجم ترک و دیلم در نظر وی یکسان است آب و خاک را جز وسیله زندگانی نمیدانند زبان در نظر وی وسیله افاده و استقاه و انتقال فکر است آداب و رسوم را جز خرافات و تقیداتی که بشر خود را پای بند آن قرار داده و دچار زحمت گردیده است تصور نمیکند کمال حقیقی را در اخلاقی فاصله و ملکات حمیده و اتصال روح آدمی به الم قدس و ارتباط با ملکوت اعلی میدانند او با چشم دیگری جهان را تماشا میکند حقیقت زندگانی در نظر وی رسیدن بمقام عقل مستفاد است سیادت و بزرگی را در سلطه بر عالم طبیعت و تسخیر ماده میدانند لذا از مادی مادامی که بترقیات روحی بشر لطمه ای وارد نیارد در پیشگاه حکومت عقل وی مرغوب است او بشر را خلاصه موجودات و مظهر تام خالق و نمونه جهان کبیر میدانند لکن مقنن سیاسی قلمرو قانون را افرادی قرار میدهد که در منطقه خاصی از زمین ساکن یا دارای نژاد و خون مخصوصی باشند او نظری بمذهب و اخلاق و آداب عمومی ندارد جامعه را در عقاید دینی و افکار و آداب و رسوم مذهبی آزاد میگذارد نظر وی حفظ منافع عمومی و نگاهداشت از حدود و ثغور مملکت و ایجاد امنیت و نظم اجتماعی است گبر و ترسا مسلمان و یهود در نظر او یکسانند مسجد و کنشت را نمیشناسد . ناتمام آقای رضوان

### تفسیر قضائی

ماده ۴ قانون مدنی ایران قانون را جز در مواردی که بتأثیر آن در ماقبل تصریح شده است در ماسبق مؤثر ندانسته و قوه مجریه و محاکم هم نمیتوانند آنرا در ماقبل خود تأثیر دهند .

آقای عدل برای تشریح و توضیح مطلب و اینکه در چه موافقی قانون در ماقبل خود مؤثر نبوده و در چه جاهائی مؤثر است مواردی را ذکر کرده اند که ما آن موارد را بطور فهرست ذکر کرده و برای توضیح زیادتری خوانندگان را بکتاب ایشان احواله میدهیم .

### موارد عدم تأثیر قانون در ماقبل

قوانین راجحه باحوال شخصیه .

- بشرائط صحت معاملات .
- بانثار عقد .
- بشرائط فسخ معاملات .
- بصورت ظاهر اسناره .
- باثبات معاملات .
- بمرور زمان .

قوانین جزائی .

### موارد تأثیر قانون در ماقبل

قوانین راجحه باهلیت .

قوانین مربوطه باصول محاکمات .

قوانین راجحه بتفسیر قانون .

ماده ۵ - کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردیکه قانون استثناء کرده باشد .

ماده ۶ - قوانین مربوطه باحوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص وارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود .

ماده ۷ - اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوطه باحوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از